



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱
صص: ۱۵۷-۱۳۳

شابا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۳۶۴۵



واکاوی آثار افکار و نیت بر رخدادهای زندگی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه

مهري هدهدي^۱ | سيدحميد حسيني^۲ | علي حسيني احتشامي^۳

چکیده

رخدادهای روزمره زندگی، ذهن آدمی را بدان معطوف می‌کند که سرنوشت انسان یک لوح حک‌شده‌ای است که بشر، اجراکننده بی‌چون و چرای آن است و هیچ دخالتی در آن ندارد، و همه اتفاقاتی که در زندگی‌اش رخ می‌دهد به خواست و اراده خداوند است. این پژوهش با هدف تدوین اندیشه قرآن کریم و نهج البلاغه درباره نقش مستقیم انسان در رخدادهای زندگی‌اش صورت گرفته است. با بررسی، گردآوری و مطالعه کتابخانه‌ای آیات قرآن کریم، تفاسیر، متن و شروح نهج البلاغه و تحلیل داده‌ها و روش توصیفی-تحلیلی؛ آیات و فرازهای مربوط به افکار و نیت، استخراج شده و اثر وضعی آن مورد بررسی و تفحص قرار گرفته است. در این پژوهش به سوال چگونگی تاثیر افکار و نیت انسان در زندگی روزمره‌اش با استمداد از آیات و سخنان امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه پاسخ داده شده است. نتیجه پژوهش اینست که اتفاقات زندگی بشر اعم از خیر و شر، بازتاب افکار و نیت خود اوست و اثر وضعی آنها را در زندگی خود مشاهده می‌کند. افکار و نیت مثبت، آثاری اعم از افزایش آرامش روحی و جسمی، دورشدن از ترس و اضطراب، کاهش غم و اندوه و توسعه رزق را در پی دارد. بنابراین انسان باید مراقب نوع افکار و نیت خود باشد، چرا که بازتاب همه افکار و نیت خیر و شر، مستقیم بر لحظه لحظه زندگی ما بازمی‌گردد.

کلیدواژه‌ها: فکر؛ نیت؛ بازتاب افکار؛ اثر وضعی؛ عکس‌العمل نیت.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Hoseinihamid2@gmail.com

۳. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

استناد: هدهدی، مهري؛ حسینی، سیدمهدی؛ احتشامی، علی حسین. (۱۴۰۴). واکاوی آثار افکار و نیت بر رخدادهای زندگی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۵۷-۱۳۳.

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.67.4.6

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مساله

با دقت به زندگی فردی و اجتماعی و تعاملات انسان می‌توان دریافت که حوادث و رخدادهای زندگی اعم از خوب و بد (خیر و شر)؛ ناشی از عملکرد خود انسان است که متأسفانه به جهت فرار از نقش‌ها و اختیارات، دنبال مقصری به غیر از خود می‌گردد و گلایه‌گونه ابراز می‌دارد؛ ما محکوم به سرنوشتی هستیم که خداوند برای ما رقم زده و ما نیز قدرت انتخابی نداریم و در نتیجه سازش و عدم سازش با سرنوشت می‌توان آینده‌ای روشن و سعادت‌مند و یا تاریک و ظلمانی و پر از ناهنجاری‌های فکری و عملی داشته باشیم.

اما با واکاوی دقیق متوجه امر دیگری می‌شویم که از سوی خالق سرنوشتی دیکته شده و امری محتوم برای کسی نگاشته نشده است تا بدون انتخاب و اختیار مجری این طرح باشیم بلکه عناصری چون؛ تفکر، نیت و شیوه درست پیاده کردن دو عنصر قبلی یعنی عمل، سازنده آن سرنوشتی است که هر فردی برای خودش می‌نگارد.

لذا در تأیید این گزاره که؛ «فکر و نیت است که نقش اساسی در زندگی فردی و اجتماعی بشر داشته» جهت اثبات آن به آیات قرآنی و کلام حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در نهج البلاغه به عنوان متون مرجع برای مسلمانان استناد شده و در حد مقتضی دلایلی جهت آن ارائه گردیده است.

در ابتدا به تعریف انواع تفکر و نیت و سپس به تاثیر آنها بر خود فرد، خانواده و جامعه پرداخته شده و در تایید و رد آن از کلام وحی و امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) استناد گردیده است. در این پژوهش ابتدا انواع تفکر و نیت اعم از خیر و شر معرفی شده، سپس بازتاب آنها به خود، خانواده و جامعه با استعانت از کلام وحی و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

نیت و افکار، چون ریشه‌های نهان زندگی، در شکل‌گیری مسیر انسان نقش آفرینند. در نگاه اسلامی، این دو گوهر درونی، نه تنها اعمال را معنا می‌بخشند، بلکه سرنوشت فرد و جامعه را رقم

می‌زنند. قرآن و روایات، نیت را محور ارزش اعمال و افکار را چراغ هدایت می‌دانند. از این‌رو، کاوش در مبانی نظری این مفاهیم، دریچه‌ای به فهم عمیق‌تر حیات معنوی می‌گشاید.

معنای تفکر

تفکر، مصدر باب تفعّل، یا اسم مصدر باب تفعیل (تفکیر) از ریشه «ف - ک - ر»، در لغت به معنای تأمل و در اصطلاح، تصرف قلب در معانی اشیا برای ادراک مطلوب است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۲۶)

فکر نیز از همین ریشه و در لغت به معنای تأمل و در اصطلاح، حرکت نفس از مطالب (مجهولات) تصویری و تصدیقی به مبادی و سیر در معلومات موجود است تا مجهولاتی که ملازم با آن‌ها هستند، معلوم گردند. این حرکت، نفس را برای افاضه صور عقلی از مبدأ قدسی آماده می‌کند. (تفکر به این معناست که انسان تصویری روشن و درست از شیئی محسوس یا غیر محسوس داشته باشد تا حقیقت آن شیء را بفهمد و تا هدف از وجود آن و حکمت آفرینش آن را دریابد؛ و هر چه فکر به شناخت شیء، شناخت یقینی و درست باشد، احساس می‌کند که این شناخت بخشی از وجود او شده است. و اگر شناخت، ظنی و وهمی و متزلزل باشد، ارتباطی با فکر ندارد و جزئی از آن نیست. و چه بسا علل بدبختی و عذاب انسانها به این حالتی که آن را حیرت می‌نامیم - و خود درک نمی‌کنند - باز گردد). و از طرفی فکر، نیرویی است در شخص که برای طلب معنا، در امری، دقیق و باریک می‌گردد و تفکر، جولان این نیرو بر حسب نظر عقل است و جز بر آنچه صورت آن در قلب حاصل گردد گفته نمی‌شود. (شعرانی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۸۰)

علامه مصطفوی در جمع‌بندی معانی لغوی فکر چنین می‌نویسد: «هو تصرف القلب و تأمل منه بالنظر الی مقدّمات و دلائل لیهتدی بها الی مجهول مطلوب، فکر تأمل و تصرف قلب در مقدمات و نشانه‌های نخستین برای رسیدن به مطلوب مجهول است. وی این تعریف را به تعریف فلاسفه نزدیک می‌داند». (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۲۶)

تفکّر و تعقّل بمعنای «بکار گرفتن نیروی عقل و اندیشه، برای استنتاج امور مُثمر ثمر است». «عقل» یکی از مواهب الهی و استعداد مخصوصی است که خداوند متعال به انسان عنایت فرموده تا با به کارگیری آن بتواند در سیر زندگانی خود، راه سعادت درستکاری را بی‌ماید، پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: خداوند متعال به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است. عقل هم به معنای مصدری، ادراک کامل چیزی و به معنای اسمی، حقیقتی است که خوب و بد و حق و باطل و راست و دروغ را تشخیص می‌دهد. (شعرانی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۷۹)

ثمره فکر، علم است و از آن در قلب تغییری حاصل می‌شود که حال نامیده می‌شود و از حال تغییری در جوارح پدید می‌آید که عمل خوانده می‌شود. (محبوب، ۱۴۰۲: ۲۰۲)

معنای نیت

واژه نیت از واژه عربی «نوی» گرفته شده است. النوی در لغت عربی به معنای هسته خرماست. (فراهیدی، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۱۸۵۶) از این جهت که نیت مانند هسته خرما درون و پنهان است. از نگاه فخر رازی گاهی تصورات نفس، سبب پیدایش برخی حوادث می‌گردد بدون آنکه اسباب جسمانی و مادی در کار باشند مثلاً هم و غم یا غضب باعث گرمی بدن شده یا کسی که بالای دیواری حرکت می‌کند تصور و فکر سقوط باعث سقوط او می‌گردد، همچنانکه تصور مریضی یا سلامتی موجب سلامتی یا مرض می‌شود.

گاهی دامنه تأثیر نیت بد، از مرتبه روح فراتر رفته و ساحت زندگی انسان را به تباهی می‌کشاند.

امیرالمؤمنین علی ((علیه السلام)) که بر نقش و تأثیر نیت خوب در زندگی صحه گذاشته و می‌فرماید:

"انسان با نیت خوب و خوش اخلاقی به تمام آنچه در جستجوی آن است، از قبیل زندگی خوش، امنیت محیط و وسعت روزی، دست می‌یابد (التیمی الآمدی، ۱۴۱۰ ق: ح ۱۰۱۴۱).".

اساساً نیت قصد، اراده و انگیزه اختیاری و تمایل (علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ ق: ۵۲۲) انسان برای انجام عبادت یا کارهاست. در روایات ارزش هر کار با توجه به «نیت» و انگیزه صاحب عمل تعیین می‌شود. در متون روایی نیت اصل و شالوده کارها معرفی شده و اعمال را ثمره آن می‌دانند. مسلمانان به داشتن نیت خیر، پاک و مخلصانه توصیه شده و نیت شر فاسد و ریایی را عامل از بین رفتن برکت و پیش آمدن بلا و گرفتاری دانسته‌اند. بنابراین نیت در لغت به معنای «قصد»، (ابوحیب سعدی، ۱۴۰۸ ق: ۳۶۳) «اراده»، «عزم» (مشکینی، ۱۳۹۲: ۵۴۸) و «اندیشه» به کار

رفته و در اصطلاح نیز به معنای قصد و اراده‌ای است که انسان را به چیزی وادار کند. در همین رابطه بنا بر نظر محقق طوسی «نیت»، قصد انجام دادن فعل و واسطه بین علم و عمل است. از نگاهی دیگر نیت «انگیزه اختیاری و آگاهانه برای انجام دادن کارها» است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۸۳)

پیشینه پژوهش

با عنایت به نقش بنیادین اندیشه و نیت انسان در شکل‌گیری رویدادهای زندگی، تاکنون پژوهشی فراگیر و یکپارچه از قرآن کریم و نهج‌البلاغه در این حوزه به انجام نرسیده است. مطالعات موجود یا صرفاً به بررسی آثار نیت محدود شده‌اند یا تنها تأثیرات افکار را در آیات قرآنی کاوش کرده‌اند. این پراکندگی و فقدان جامعیت، ضرورت پژوهشی نوین و جامع را در این زمینه آشکار نمود. در ادامه، به معرفی پژوهش‌های پیشین در این قلمرو پرداخته خواهد شد.

مریم بناهان و فاطمه طراز منفرد (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان مرگ آگاهی و دلالت‌های تربیتی آن در افزایش آرامش با تکیه بر روایات معصومین علیهم‌السلام چنین نتیجه گرفتند که «قضا و قدر الهی، مرگ را امری گریزناپذیر از سوی خداوند برای تمام موجودات رقم می‌زند». چنین کسی می‌داند بازتاب افکار و نیاتش چگونه است و کمبودها و نقصان‌ها را در رفتار خویش پی می‌گیرد و به بداقبالی و بدشانسی اعتقادی ندارد.

رشیدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بنیان‌ها و روش‌های تربیت انسان مودب از منظر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی چنین نتیجه گرفتند که «انسان در دنیا مکلف به انجام تکلیف‌هایی است. اما بعد از این دنیا تکلیفی نیست، بلکه انسان هست و نتیجه عملش». کلام الهی "الْعَبْدُ يُدَبِّرُ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ" می‌فرماید هر آنچه انسان تدبیر کند خداوند باری تعالی تقدیر می‌کند. و به روشنی بیان‌کننده آن است که انسان سازنده عمل خویش است و خداوند یاریگر هدایت اوست (یَهْدِي مَنْ يَشَاءُ) و گاهی نیز به جهت نوع عملکرد خود (يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ) می‌باشد.

حسین جعفریان و محمدحسن میرزا محمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تبیین نقش و جایگاه اصل تربیتی "گذر از ظاهر به باطن" در سبک زندگی اسلامی و تاثیر آن بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که «در منابع اسلامی بویژه قرآن کریم این مطلب آشکارا دیده می‌شود که خداوند در گذرگاه‌های مختلفی انسان را دعوت می‌کند که در عین

توجه به ظواهر مادی که در زندگی تجربه می‌کند از آنها عبور کند و به حقیقتی که در ورای آن هست، برسد.»

عبداللهی و صمد رزمی (۱۳۹۳) در پژوهش خود «نقش مثبت‌اندیشی در حل مسائل زندگی با تأکید بر آیات قرآن کریم و روایات» به بررسی نقش مثبت‌اندیشی در باز کردن گره‌های زندگی با توسل به آیات و روایات پرداختند؛ یافته‌های آنان حاکی از این مطلب بود که عبادت، ترتیب اثر ندادن به سوء ظن، پرهیز از پیش‌داوری و قضاوت زود هنگام، توجه به حضور خدا، نیک‌انگاری و احسان به مردم همگی از عوامل رسیدن به خوش‌بینی هستند که در آیات قرآن نیز به آنها توجه شده است.

صادقی نیری و الهیاری نژاد (۱۳۹۲) در اثر خود «مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نهج البلاغه»، به بررسی مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نهج البلاغه پرداختند. نتایج یافته‌های آنان نشان داد که از منظر نهج البلاغه مولفه‌های مثبت‌اندیشی شامل آزمایشی دانستن سختی‌ها و حوادث ناگوار و ناپایدار دانستن رویدادهای مثبت و منفی و منشا اثر قلمداد کردن خدا، خود و دیگران در وقوع حوادث و رویدادها و وجود انتظار مثبت موجد آثار و نتایج مثبتی در فرد و جامعه از جمله: کاهش ترس و اضطراب می‌شود.

سبحانی‌نیا (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان راه و رسم مثبت‌نگری، نقش خوش‌بینی را در استفاده کردن از تمامی ظرفیت‌های ذهنی مثبت، نشاط‌انگیز و امیدوار کننده در زندگی، برای تسلیم نشدن در برابر عوامل منفی ساخته ذهن و احساس‌های یأس‌آور ناشی از دشواری ارتباط با انسان‌ها و رویارویی با طبیعت، دانسته است.

غیاثی (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان تفکر از منظر قرآن، به آفات عقل و تعقل اشاره می‌کند که به دو مورد آن اشاره می‌شود:

– قرآن کریم عقل را مبرا از اشتباه ندانسته لذا لغزشگاه‌های آن را بیان می‌فرماید:
 ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ
 بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ. (نحل، ۱۲۵) خداوند شیوه برخورد با اهل جدل را به پیامبر
 اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یاد آور می‌شود.

– وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء، ۳۶) علم انسان علم اکتسابی است و عقل به تنهایی کافی نیست لذا برای تایید عقل باید علم لازمه را به دست آورد.

در پژوهش‌های فوق بیشتر از هر چیزی به مثبت‌اندیشی و نقش خوش‌بینی در اتفاقات زندگی پرداخته شده است. اما پژوهش حاضر، جامعیت بیشتری داشته و افکار خیر و شر و آثار آن و اثرات مثبت‌اندیشی و منفی‌نگری در رخدادهای زندگی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه، توامان مورد بررسی قرار گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیرات افکار و نیت مثبت و منفی در روند زندگی افراد است. برای رسیدن به نتایج از روش مطالعات توصیفی – تحلیلی بهره برده و پژوهشگر با بررسی آیات قرآن کریم و تفسیر المیزان و خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه، مفاهیم مربوط به موضوع را استخراج و داده‌ها را تحلیل نموده است. ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

- ۱- آیا افکار خیر و شر ما، در روند زندگی ما تأثیر می‌گذارد؟
- ۲- آیا نیت منفی و مثبت ما در زندگی ما تأثیر گذار است؟

یافته‌های پژوهش

همانطور که گفته شد در این پژوهش دو سوال اساسی وجود دارد که سعی شده از طریق داده‌های گردآوری شده، پاسخ مناسبی ارائه گردد.

سوال (۱) آیا افکار خیر و شر ما، در روند زندگی ما تأثیر می‌گذارد؟

تفکر و آثار آن از منظر قرآن کریم

در سراسر قرآن کریم، فراخوان عظیم تفکر، تدبر، تذکر، تعقل و بصیرت به وضوح قابل شهود است. تفکر و اندیشیدن، بخشی از ساختار وجودی انسان و فصل ممیز وی از حیوان است. تفکر گستره وسیعی از فعالیت‌های ذهنی را در برمی‌گیرد، در واقع افکار اشاره به این توانایی انسان دارد که ما می‌توانیم اشیاء، افراد و وقایع را در غیاب آنها تجسم و بازنمایی کنیم و حتی تغییراتی در آنها اعمال کنیم و بی‌شک حیات انسانی، حیاتی فکری است و آن با ادراکی سامان می‌یابد که فکر نامیده می‌شود.

در رابطه با تفکر و تعقل در قرآن آیات زیادی وجود دارد از جمله: بقره (۲۶۹، ۲۷۰، ۲۶۶)، آل عمران (۱۳۷، ۱۹۱، ۱۳)، انعام (۳۶، ۱۱، ۱۵۲، ۵۰)، اعراف (۲۰۱، ۱۸۵، ۱۷۳، ۳۰)، یونس (۱۰۱، ۷۳، ۲۴)، یوسف (۱۱۱، ۱۰۹)، رد ۳، حجر ۷۵، نحل (۳۶، ۱۱) و فرقان (۷۳، ۵۰).

انسان در هر موضوعی قادر به تفکر و تعقل است اما آیات فوق تفکر درباره خداوند را تاکید است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «افضل العبادۃ، ادمان التفکر فی الله و فی قدرته» یعنی برترین عبادت اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست.

هرجا که قرآن به تفکر و نگرشی جدید در راستای بندگی بیشتر و رهایی از بند ظلمت و تاریکی نفس، دعوت کرده است، می‌تواند نشانه‌ای از تعقل و تفکر باشد. با این دیدگاه جایگاه تعقل و تفکر تا بدان حد بالا و والا است که خداوند در قرآن، حتی در یک آیه نیز بندگان خود را امر به تفهمیدن و یا راهی را کورکورانه پیمودن، نکرده است.

از نگاه علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۵۷ خداوند متعال در قرآن کریم بیش از سی صد بار انسان را به استفاده و بهره‌جستن از این نیروی خدادادی دعوت کرده است، که می‌توان این آیات را به اختصار این چنین دسته‌بندی نمود:

– **توبیخ مستقیم انسان‌هایی که تعقل نمی‌کنند:** «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» و «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ

الْقُرْآن» مشابه این کلام بیست بار در قرآن آمده است.

– **دعوت به تعقل در مباحث توحیدی:** «آیا فکر نکردند که همنشین آنها [پیامبر]

هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد؟» (اعراف، ۱۸۴)

- **خلقت آسمان‌ها و زمین و اشاره به نظم حاکم بر مخلوقات:** «او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید سپس به آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود و او به هر چیز آگاه است». (بقره، ۲۹)

- **استدلال بر معاد:** زنده شدن زمین و گیاهان، (اعراف، ۵۷) داستان زنده شدن پرندگان در قبال درخواست حضرت ابراهیم (علیه السلام)، (بقره، ۲۶۰) داستان اصحاب کهف، (کهف، ۲۵-۹) داستان حضرت عزیر، (بقره، ۲۵۹) و نمونه‌های دیگر ...

- **بیان داستان‌ها و عذاب‌هایی که در اثر گناهان اقوام گذشته نازل شده:** باید توجه داشت بیان داستان‌های اقوام گذشته توسط قرآن، تنها جهت بیان یک قصه یا داستان سرگرم کننده نیست، بلکه درسی عبرت‌آموز برای امت‌های پسین است. با مطالعه سرگذشت آنان و تفکر در آثار و عاقبت اعمالشان می‌توان حقیقت را یافت و از انجام اعمال ناپسند پرهیز نمود؛ مانند داستان حضرت یوسف، داستان عبرت‌انگیز زنان پیامبران، (تحریم، ۴ و ۱۱) و عذاب‌هایی که بر قوم عاد، ثمود و لوط نازل شده است. (فصلت، ۷-۱۳)

- **ترویج تقلید کورکورانه:** در بسیاری از آیات قرآن، کفار برای توجیه بت پرستی خود، تعقل و تفکر را رها کرده و تقلید کورکورانه از پدران خود را دست‌آویز رفتار غلط خویش قرار داده‌اند. خداوند آنها را برای بهره نبردن از قدرت تفکر به شدت مورد ترویج قرار داده و در مباحث اعتقادی آنها را دعوت به تفکر و اندیشه می‌کند؛ مانند: «و هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده، پیروی کنید! می‌گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟» (بقره، ۱۷۰)

- **درخواست برهان برای حرف‌های بیهوده:** وقتی خداوند در قبال حرف‌های بیهوده و نادرست برخی انسان‌ها، تقاضای دلیل و برهان می‌کند و با صراحت تمام انسان‌ها را از پیروی چیزی که دانشی نسبت به آن ندارند منع نموده است. (اسراء، ۳۶)

- **یادآوری نعمت‌ها:** خداوند در قرآن با تذکر و یادآوری نعمت‌ها، از انسان می‌خواهد، از کبر و عُجب فاصله گرفته و جایگاه بندگی و عبودیت خود را فراموش نکنند. این روش دعوت به تعقل بسیار در مورد قوم بنی‌اسرائیل به کار رفته است؛ مانند: «ای بنی‌اسرائیل!

نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم». (بقره، ۴۷)

– **مقایسه بین انسان‌ها با توجه به افکار و اعمالشان:** وقتی یک فرد عاقل مقایسه‌ای را بین دو چیز انجام می‌دهد، در حقیقت در صدد آن است که خصوصیات و آثار مثبت و منفی هر یک از آن دو را بیان نماید. مقایسه بین مؤمنان و کافران نیز دعوتی روشن از جانب خداوند برای تعقل و تفکر است، تا انسان با اندیشه در عاقبت مؤمنان و کافران و ثواب و عقاب آن دو، راه خود را در یابد؛ مانند: «در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو برو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت) در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد) و خداوند، هر کس را بخواهد، با یاری خود، تأیید می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان». (آل عمران، ۱۳)

– **اتمام حجت:** آن هنگام که خداوند پس از فرستادن معجزات، آیات و نشانه‌های گوناگون، حجت را بر بندگان تمام می‌کند و به آنها وعده‌های ثواب و عذاب می‌دهد، در حقیقت آنها را به تعقل و تفکر دعوت می‌کند تا در مورد رفتار و کردار خود بیندیشند. پیامبران نیز بر امت‌های خود وارد نمی‌شوند، مگر این‌که با دلایل و برهان و نشانه‌های گوناگون حجت را بر بندگان تمام می‌کنند: «ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم». (هود، ۹۶)

در نهایت قرآن کریم حال کسانی را که از تعقل فرار کرده‌اند و گوش به حرف‌های پیامبران و امامان خویش نداده‌اند را چنین توصیف می‌کند: «و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!» (ملک، ۱۰) و چون عقل دارند و خودشان می‌توانند قضاوت کنند، خداوند با در اختیار قرار دادن نامه عمل افراد، از هر انسانی خواهد خواست که خود به تنهایی در ارتباط با عملکرد خویش، قضاوت نماید. (حاقه، ۹ و ۲۵)

پس افکار انسانی همان اعتقادات اوست که به سه دسته کلی تقسیم می‌شود: اعتقاد به خدا، اعتقاد به معاد و پایبند بودن به ولایت است. اگر تفکر هدفمند و در چارچوب هدایت الهی قرار

بگیرد تأثیر آن فردی مذهب و متقی و جامعه‌ای سالم هم از نظر اقتصادی و هم از منظر سیاسی و فرهنگی است و جامعه و بالاخص فردی که با اعتقاد به معاد در زندگی اجتماعی‌اش مسئولیت‌پذیر و خداترس است و باور دارد که ناظری هست و عملش ثبت و ضبط می‌شود لذا با اهتمام بیشتری دل به کار داده و دنبال معلمی است که روشن‌کننده راهش و تبیین‌کننده اهدافش باشد.

دیدگاه امیرالمومنین ((علیه‌السلام)) به تفکر

افکار ما، از امور مهمی هستند که ممکن است سازنده و امیدبخش، یا سست‌کننده و آزاردهنده باشند. فکر به چند دسته ساده‌انگارانه، کاربردی، توجیه‌گراانه و خلاق و تولیدکننده تقسیم می‌شوند که هر یک به گونه‌ای در زندگی بشر تأثیرگذار است.

فکر شفاف: امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) در سومین جمله از حکمت پنجم در نهج‌البلاغه (شرح نوینی بر کلمات قصار امیرالمؤمنین؛ نظامی همدانی) می‌فرمایند: «فکر، آینه‌ای صاف و شفاف است»؛ (وَالْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ) فکر: به معنای اندیشیدن؛ مرآة: آینه؛ صافیة: صاف و پاک. در این جملات به ترتیب، صفات، علم و آداب مورد ستایش قرار گرفته است. متصف شدن به این صفات با آن ستودگی‌ها مورد رغبت هر عاقلی است ولی خالی از دشواری و سختی نیست. زیرا انسان به موجب طبیعت حیوانی و واهمه شیطانی، جاهل و بی‌ادب است و با داشتن خوی آسان‌طلبی، به هیچ یک از این صفات کردن نمی‌دهد مگر عواقب شوم نقیض آنها را در آینه صاف فکر ببیند.

منظور حضرت از فکر، همان حرکت باطنی یا عمیق‌نگری و ژرف‌اندیشی است. در اینجا منظور امیرالمومنین (علیه‌السلام) بیان اهمیت به کارگیری نیروی یاد شده است. (محبوب، ۱۴۰۲: ۲۶۳) و فکر همان اندیشیدن پیرامون مسائل مختلفی است که بر انسان وارد می‌شود. هرگاه این اندیشه از هوا و هوس و حجاب‌های معرفت دور بماند، آینه شفاف خواهد بود که چهره حقایق را به انسان نشان می‌دهد و راه صحیح را در پرتو آن می‌یابد، دوست را از دشمن و صواب را از خطا و حق را از باطل خواهد شناخت.

در حدیثی که در امالی شیخ صدوق آمده می‌خوانیم: «لَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكُّرِ فِي صَنْعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ هیچ عبادتی برتر از اندیشیدن در مخلوقات خداوند متعال نیست». (صدوق، ۱۴۰۱ق: ۱۴۶)

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: *تَتَفَكَّرُ سَاعَهُ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَنَةٍ*؛ یک ساعت اندیشیدن بهتر است از عبادت یک سال. (مجلسی، ۱۳۱۵، ج ۶۸: ۳۲۷)

در واقع همه اینها برگرفته از قرآن مجید است که می‌فرماید: *«قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا»* (سبا، ۴۶)؛ من فقط شما را به یک چیز اندرز می‌دهم و دعوت می‌کنم و آن این که دسته‌جمعی یا به صورت فردی برای خدا برخیزید و فکر خود را به کار گیرید.

دلیل آن هم روشن است، زیرا ریشه تمام نیکی‌ها و پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها در تفکر و اندیشه صحیح است.

آثار مثبت‌اندیشی بر زندگی از نگاه قرآن کریم و نهج البلاغه

در زندگی، ذهن انسان پیوسته فعال، و افکار و خیال‌های مختلفی در آن به وجود می‌آید که گاه مثبت و خیر، و گاهی منفی و شر است. مواردی مانند حس کینه، حسد، تکبر و احساس گناه بیهوده، افکار و اوهام منفی‌اند و در مقابل، امید، صداقت، تقوا، تواضع و شکر، جزو افکار مثبت به شمار می‌روند.

در واقع همانطور که گفتار ما جزء اعمال ما محسوب می‌شود، افکار و ذهنیت‌های ما نیز جزو اعمال ما محسوب می‌شود. تأثیر افکار مثبت بر رخدادهای زندگی را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

الف- افزایش آرامش روحی و جسمی:

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»: بگو به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است. (یونس، ۵۸)

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ آنان به فضل و رحمتی که خدا نصیبشان گردانیده شادمانند، و دلشادند به حال آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنها به سرای آخرت خواهند شتافت که بیمی بر آنان نیست و غمی نخواهند داشت. (آل عمران، ۱۷۰)

ب- دور شدن از ترس و اضطراب:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آیه ۲۸ سوره رعد یاد خدا را آرام‌بخش روح و جان می‌داند. امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) نیز در خطبه ۹۹ نهج‌البلاغه به این موضوع اشاره کرده‌اند که امور دنیا، چه خوشی و چه بدی هر دو، رو به زوال و نابودی می‌روند و نباید به آن‌ها دل بست: «وَلَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ وَضُرَاءَهَا وَبُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ؛ از سختی‌ها و رنج‌هایش، فغان و زاری سر ندهید زیرا عزت و افتخارش پایان‌پذیر است و زیور و خواسته‌اش روی در زوال دارد و سختی‌ها و رنج‌هایش بر دوام نباشد، هر مدتی در آن پایان پذیرد و هر زنده‌ای بمیرد».

ج- رسیدن به موفقیت و کمال:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجَبَ»؛ آنان که به خدا ایمان آورده و به کار نیکو پرداختند خوشا بر احوال آنها، بازگشت و مقام نیکو از آن آنهاست. (رعد، ۲۹)

د- کاهش غم و اندوه ناشی از رویدادهای ناگوار:

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: غم دنیا کوتاه و زودگذر است؛ «قَدِ اخْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَحْمَصَةِ وَابْتَلَاهُمُ بِالْمَجْهَدَةِ وَامْتَحَنَهُمُ بِالْمَخَاوِفِ وَمَخَضَهُمُ بِالْمَكَارِهِ، فَلَا تَعْتَبِرُوا الرُّضَىٰ وَالسُّحْطَ بِالْمَالِ وَالْوَلَدَ جَهْلًا بِمَوَاقِعِ الْفِتْنَةِ، وَالِاخْتِبَارَ فِي مَوْضِعِ الْغِنَىٰ وَالِافْتِدَارَ؛ خداوند آنها را به گرسنگی امتحان نمود و به سختی‌ها مبتلا کرد و به وحشت‌ها بیازمود و به جفاها و ناخوشی‌ها بیالود، مبادا که مال و فرزند را ترازوی خشم و خشنودی خداوند پندارید، در حالی که ندانید اگر توانگری و قدرت عطا می‌کند چیزی جز آزمایش شما نیست» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲)

آثار افکار منفی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه

دانستن اینکه «می‌توانیم افکار خود را کنترل کنیم» و به این وسیله در روحیه و نشاط خود تأثیر بگذاریم، به ما می‌فهماند که کنترل فکر جزو مصادیق تقواست. بنابراین هر بار که آیات تقوا را در قرآن می‌خوانیم، باید توجهی به ذهنیات خود نیز داشته باشیم که نکند شیطان از این راه در ما نفوذ کند.

اما عمده تلاش شیطان در جهت تأثیر گذاشتن بر فکر ماست؛ مثلاً در قرآن آمده که خدا روزی ما را تضمین نموده، اما شیطان ما را می ترساند و وعده فقر می دهد؛ آنقدر روی ذهن ما کار می کند تا سرانجام ما را به کارهای بسیار زشت و ناپسند بکشاند. تقابل فکریهای الهی و شیطانی را در این آیه می توانیم ببینیم:

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۶۸)

در حقیقت یکی از ضروری ترین نیازهای ما برای باقی ماندن در مسیر خدا، داشتن نشاط و امید به خداست و هرگونه بدگمانی به خدا و گمان های بد، باعث خراب شدن حرکت ما می شود. گمان های بد، با یک لکه سیاه آغاز می شود که خود ما آن را بزرگ می کنیم. لکه ای که به قلب ما خطور می کند ولی ما به جای بررسی آن با حقایق دینی، صرفاً از راه احساس آن را بزرگ و بزرگتر می کنیم تا به جایی که تبدیل به گمان می شود، به طوری که گاه حالتی فریبنده و شبیه به یقین پیدا می کند.

بدگمانی به خدا پایه خصلت های بد می باشد. به فرمایش امیرالمومنین (علیه السلام) بخل و ترس و حرص، صفات نکوهیده مختلفی است که همه آنها در سوء ظن به خدا جمع است. «(نهج البلاغه، نامه ۵۳)

در آیه ۲۸ سوره نجم می خوانیم که «گمان برای دریافت حق هیچ سودی نمی دهد». از این آیه و آیه های مشابه می آموزیم که آنچه برای خدا مهم است، "علم" است نه "ظن". یعنی اگر حقیقتاً چیزی را ندانیم، حتی بسیار به آن تمایل داشته باشیم، به آن علم نداریم بلکه "ظن" داریم و ظن در نزد خدا بی ارزش است. از این رو قرآن، گمان های بد را نکوهش کرده و برای ما نمی پسندد. خداوند در آیه ۱۲ سوره حجرات توصیه می کند:

«ای کسانی که ایمان آوردید! از بسیاری از گمان ها (در حق مردم) پرهیزید، که برخی از گمان ها گناه است».

چند مثال قرآنی از گمان‌های بد

قرآن نمونه‌هایی از گمان‌های بد - به تعبیر امروزی، فکر و خیال منفی - را مثال زده است. در سوره فتح آیه ۶، خدا درباره مشرکانی که به خدا بدگمان هستند می‌فرماید: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ»؛ خودشان دچار گردونه بد در نشیب و فراز زمان خواهند شد.

همچنین آیه ۱۲ سوره فتح می‌فرماید: آنان کسانی بودند که از همراهی با پیامبر در سفر عمره سر باز زدند و عذرتراشی می‌کردند؛ زیرا خیال می‌کردند که پیامبر و مومنان در درگیری با کافران کشته خواهند شد.

ریشه این گمان‌های ناپسند، بدگمانی به خدا بود که اگر در میان خانه و اهل خود باقی بماند دیگر هیچ خطری برای آنها پیش نخواهد آمد، حال آنکه برای خدا هرگز سخت نیست که در همان خانه‌هایشان آنها را دچار گرفتاری‌ها و مصیبت‌های سخت کند. در اثر ترس و عافیت‌طلبی، سوء ظن ذهنیشان واقعیت یافت و درباره خدا نیز بدگمانی کردند.

سوال (۲) آیا نیت منفی و مثبت ما در زندگی ما تاثیرگذار است؟

تاثیر نیت بر رخدادهای زندگی از منظر قرآن و نهج البلاغه

بر اساس روایات، ارزش و اهمیت هر کاری بر اساس نیت و انگیزه آن تعیین می‌شود؛ به علاوه اینکه نیت‌های ریایی باعث بطلان عمل و نیت‌های مخلصانه، باعث کمال عمل می‌شوند؛ طبق حدیث معروف «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»، (مجلسی، ۱۳۱۵، ج ۷: ۲۲۱) اعمال انسان در گرو نیت‌هاست، همچنین ذکر شده که پاداش الهی، شامل نیت بدون عمل نیز می‌شود. پس از جنگ جمل، و پیروزی سپاه امیرمؤمنان (علیه‌السلام) بر سپاه دشمن، شخصی از یاران آن حضرت به محضرش آمد و عرض کرد: ای کاش برادرم در این جنگ حاضر بود و این پیروزی‌ها را می‌دید و از پاداش این جهاد بهره‌مند می‌گردید.

امیرالمومنین (علیه‌السلام) به او فرمود: «آیا قصد برادرت این بود که ما پیروز شویم؟» عرض کرد: آری. فرمود: «پس او نیز در این نبرد با ما بوده و شرکت داشته است». (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲) در آیه ۹۲ سوره توبه نیز در خصوص تاثیر نیت خیر در رخدادهای زندگی از منظر دیگری بحث شده است:

«وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ؛ همچنین بر آن مؤمنانی که چون مهبای جهاد شده و نزد تو آیند که زاد و لوازم سفر آنها را مهیا سازی و تو پاسخ دهی که من مالی که به شما مساعدت کنم ندارم برمی گردند در حالی که از شدت حزن اشک از چشمانشان جاری است که چرا نمی توانند مخارج سفر خود فراهم سازند (بر آنها هم حرج و گناهی بر ترک جهاد نیست).

اگر شخصی نیت خیر داشته باشد ولی به هر دلیلی موانعی ایجاد شده و او نتواند آن عمل را انجام دهد و در حسرت آن بماند، خداوند بر اساس نیت خیرش به او پاداش می دهد؛ چنانکه درباره مجاهدان ناتوان و فاقد امکانات چنین ثوابی نوشته می شود، در حالی که در میدان جهاد حضور نیافتند.

در نگاه امیرالمومنین (علیه السلام) خلوص نیت گرچه در عبادات امری نیکو و عامل پذیرش اعمال است، اما در عین حال، سایر اعمال آدمی را رنگ و بوی خدایی می بخشد و آن را عامل آسایش فرد قرار می دهد و اگر فرد در مقام مسئول باشد، آن را مایه آسایش مردم برمی شمرد. در خصوص تاثیر نیت شر؛ خدای متعال در سوره مبارکه قلم به گروهی از افراد اشاره فرموده که تصمیم جدی گرفته بودند که از میوه های باغ خود به نیازمندان ندهند. حتی آن ها قصد کرده بودند که صبح زود اقدام به چیدن میوه های باغ خود کنند و این کار را دور از چشم دیگران انجام بدهند، مبدا که کسی از آن ها چیزی طلب کند و مجبور شوند به نیازمندی، میوه ای بدهند.

چنانکه خدای متعال درباره آن ها می فرماید: «إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ؛ وَلَا يَسْتَنْوُونَ؛ (قلم، ۱۷) آن گاه که قسم خوردند که بامدادان میوه های آن را خواهند چید؛ در حالی که (در فکر خود چیزی برای فقرا) استثنا نمی کردند و ان شاء الله نمی گفتند. آن ها به قدری در این تصمیم خود مصمم بودند که صبح زود و بدون سر و صدا دور از چشم مردم نیازمند، برای چیدن میوه های باغ خود رفتند. در حالی که حتی آهسته صحبت می کردند مبدا مردم فقیر صدای آن ها را بشنوند و مجبور باشند چیزی از آن ببخشند. «فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ؛ أَنْ اَعْدُوا عَلَى حَرْنِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ؛ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ؛ أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينَ؛ وَ عَدُوا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ؛ پس هنگام صبح یکدیگر را صدا زدند، که اگر قصد چیدن (میوه) دارید بامدادان به سوی باغ و زراعت خود بیرون آیید. پس به راه افتادند در حالی که آهسته با هم گفتگو می کردند که مبدا

امروز فقیری در این باغ بر شما وارد شود! و صبحگاه با تصمیم بر محروم کردن (فقرا) بیرون شدند. اما باغ به فرمان خدای متعال به دلیل طغیان و سرکشی آن‌ها و ابا کردن از انفاق به نیازمندان، سوخته و از بین رفته بود. پس وقتی آن افراد برای چیدن میوه‌ها وارد باغ شدند، با میوه‌های سوخته و از بین رفته مواجه شدند و به اشتباه و سرکشی خود پی بردند. به طوری که به صراحت اعتراف کردند:

«قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ؛ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ؛ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (قلم، ۲۹-۳۱)؛ گفتند: منزّه است پروردگار ما، مسلماً ما ظالم بودیم. سپس رو به یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند، (و فریادشان بلند شد) گفتند: وای بر ما که طغیانگر بودیم».

در آیه ۷۱ سوره مبارکه انفال از نیت در خیانت سخن به میان آورده است:

«وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ و اگر قصد خیانت به تو دارند پیش از این به خدا هم خیانت کردند و خدا (تو را) بر آنها تمکین و تسلط داد و خدا دانا و درستکار است».

در خلال داستان حضرت موسی (علیه السلام) در سوره مبارکه قصص در آیه ۱۹ به نوعی به نیت اشاره می‌شود که معطوف به کشتن دیگران است:

«فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ؛ و چون خواست دست به قبضه دشمن دراز کند (قبضه) فریاد کرد: ای موسی مرا هم می‌خواهی مانند شخص دیروز به قتل رسانی؟ معلوم است که تو در این سرزمین قصدی جز گردنکشی و جباری نداری و هیچ نخواهی مشفق و مصلح باشی».

بر همین اساس است که قوم ثمود را به نیت کاری که یکی از شقی‌ترین ایشان انجام داده مجازات کرده است:

«كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا؛ قوم ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند: آنگاه که شقی‌ترین‌شان برپا خاست، پس فرستاده خدا به آنان گفت زنهار ماده شتر خدا

و نوبت آب خوردنش را حرمت نهید، ولی او را دروغ گو خواندند و آن ماده شتر را پی کردند و پروردگارشان به سزای گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد و از پیامد کار خویش بیمی به خود راه نداد» (شمس، آیات ۱۱ تا ۱۵)

از آنجا که خدا به محاسبه نیت نیز می‌پردازد و پاداش و کیفر دنیوی و اخروی برای آن قرار می‌دهد، انسان باید از نیت‌های بد، خود را بر حذر دارد؛ چنانکه می‌فرماید:

«اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاخْذَرُوا» (بقره، ۲۴۵)؛ بدانید که خدا آنچه در نفوس شماست می‌داند، پس از خدا حذر کنید.

این حذر از خدا همان دوری کردن از نیت‌های سوء است؛ زیرا کسی که نیت بد دارد، خدا این نیت بدش را محاسبه می‌کند و موجب دوری از خدا و ورود به دوزخ می‌شود؛ چنانکه اگر نیت خیر داشته باشد به سبب تقرب به خدا موجب بهره‌مندی از پاداش‌های نیک دنیوی و اخروی می‌شود. البته از نظر حقوقی و فقهی تا کاری انجام نشده، انسان به سبب مثلاً نیت زنا و دزدی محاکمه نمی‌شود؛ اما از نظر کلامی نه تنها این نیت محاسبه می‌شود بلکه آثار سوء آن نیز دامن‌گیر شخص می‌شود، مگر آنکه توبه و استغفار کند. همچنین اگر کسی نیت خوبی داشت، ولی دزدی کرد باید پاسخگوی عمل خویش باشد و به نیت خیر او توجه نمی‌شود؛ بلکه در دنیا آن عمل زشت باید مجازات خودش را داشته باشد.

اثر بخشی نیت در سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی، موضوعی است که در سخنان امیرالمومنین (علیه السلام) مورد توجه قرار گرفته است. ایشان به برخی آثار اخروی پرداخته است: خلوص نیت؛ عامل آمرزش گناهان و عامل پاداش اعمال است و نیت فاسد؛ عامل نزول بلا می‌باشد. نیت؛ معیار سنجش عمل است. نیت خیر؛ عامل استجاب دعا، عامل رهایی آدمی از قید و بندها است. نیت هم‌بستگی با عطای الهی دارد. امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: خداوند به سبب صدق نیت و باطل پاک، هر کس را که خواهد به بهشت می‌برد.

در منظر امام سوء نیت نه تنها زندگی فردی که در زندگی اجتماعی نیز تأثیرگذار است. امام بخشی از اختلافات اجتماعی را حاصل این امر می‌داند و می‌فرماید: شما در دین برادرید و جدایی میان شما جز از پلیدی نیت و بدی اخلاق و زشتی باطن نیست. (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲)

نتیجه گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر با بهره‌مندی از روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سوال کانونی بودیم که با توجه به متن قرآن کریم و مطالب نهج‌البلاغه جایگاه افکار و نیت و اثر آن‌ها در حوادث زندگی فردی و جمعی انسان چگونه بیان شده است؟

پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است. برخی از آنها نقش مثبت‌اندیشی را مورد توجه قرار داده‌اند که عواملی چون سوء ظن نداشتن، پرهیز از قضاوت مردم و احسان و نیکی به مردم باعث حل مشکلات و ناملایمات زندگی می‌شود. برخی نیز در پژوهش‌های خود به این نکته رسیده‌اند که اجتناب از منفی‌نگری باعث ایجاد نشاط و امید در زندگی فرد شده و خود این نشاط انسان را از ناامیدی دور کرده و کمک می‌کند ترس و اضطراب از فرد فاصله بگیرد.

اما در پژوهش حاضر نکته‌ای که بررسی شده و جای آن در پژوهش‌های علمی خالی بوده، این است که انسان به این نتیجه برسد که براساس آیه ۲۸۶ سوره بقره نیکی‌های هر کس به سود او و بدی‌هایش نیز به زیان خود اوست. چرا که مردم عادت کرده‌اند که مسئول هر اتفاق ناگواری که در زندگی برایش رخ می‌دهد را خداوند می‌دانند و آن را خواست خدا دانسته و یا شدیدتر برخورد کرده و به خداوند شکایت می‌کنند که چرا این بلا را به سرم آوردی و چرا این اتفاق برای من رخ داد؟ و هیچگاه انگشت اتهام بسوی خودشان نشانه نمی‌رود. حال آنکه افکار و نیاتش، اثر مستقیم در زندگی‌اش داشته است. اما خیراتی که در زندگی برایش پیش می‌آید را از سوی خود می‌دانند که البته این تفکر صحیح است چون بواسطه افکار و نیت خود به آن خیرات رسیده‌اند.

همه افکار و نیت خیر و شر انسان در زندگی‌اش، اثرات مثبت و منفی دارد. در واقع همان مبحث عمل و عکس‌العمل است که آثارش در همین دنیا منعکس شده و به سمت صاحب فکر و نیت مثبت و منفی رفته و شیرینی و تلخی آن را به او می‌چشانند.

اهمیت توجه به این موضوع برای این است که باور کنیم بازتاب افکار و نیت خیر و شر ما به خودمان بازمی‌گردد و در سرنوشت ما در دنیا تاثیر مستقیم دارد.

خداوند متعال در این باره در آیه ۷ سوره اسراء به صراحت می‌فرماید که اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید.

در این پژوهش یافتیم که برخلاف تصور غالب مردم، انسان در زندگی‌اش محکوم به جبر نیست و این خود او است که خط سیر زندگی‌اش را مشخص می‌کند. افکار خیر و شر و نیات مثبت و منفی انسان آثار مستقیم بر روی زندگی فردی و جمعی دارد. همانطور که وقتی قصد نداریم از اموال خود سهمی به فقرا نرسد، همه‌اش از بین می‌رود؛ اگر مال خود را با فقرا تقسیم کنیم و یا صدقه بدهیم برکت و کمیتش افزون می‌شود. چرا که رابطه مستقیم با نیت ما دارد و فقط نتیجه نیت خود را می‌بینیم، ارتباطی به خدا ندارد. بلکه نتیجه عملکرد خود ما است. دقیقاً مانند چاقوی تیزی که اقتضایش بریدن است و هر چیزی را می‌برد. اثر وضعی نیت خیر و شر و افکار مثبت و منفی هم به همین صورت عمل می‌کنند. اینجاست که می‌گوییم حق نداریم که در ناملایمات زندگی، خدا را مقصر بدانیم و نمی‌توان فریاد خود را بر سر خداوند سر دهیم. چرا که حاصل فکر و نیت خودمان است.

با بررسی آیات و متن نهج البلاغه به برخی از آثار افکار و نیات در رخدادهای زندگی رسیدیم که عبارت‌اند از:

- فراموشی معاد و اثر آن بر نیات و افکار انسان (اعراف، ۵۷، کهف، آیات ۹-۲۵)
- توبیخ تقلید کورکورانه و تذکر به انسان و یادآوری بهره‌بردن از تفکر (بقره، ۱۷۰)
- یادآوری نعمت‌های الهی از دیگر موارد تفکر (بقره، ۴۷)
- امنیت و آسایش نتیجه نیت پاک و صحیح (نهج البلاغه، نامه ۵۳)
- نابود شدن نعمت نتیجه نیت تنگ‌نظری (قلم، ۱۷)
- بروز رفتارهای نیکو و هدف‌دار در انسان، و ایجاد زمینه موفقیت بخاطر تفکر مثبت و خوش‌بینانه
- ایجاد تلاش و اراده قوی از آثار مثبت‌اندیشی
- نداشتن اعتماد به نفس، خشم، ترس و غم به دلیل منفی‌نگری و زمینه موفقیت نداشتن در زندگی
- دور شدن از تفکر خرافی و تفکر منفی و بسته به دلیل تفکر مثبت. در تفکر خرافی، انسان تصور می‌کند توان تصمیم‌گیری ندارد و قادر به کنترل حوادث و رخدادهای زندگی نیست، در نتیجه یا منفعل می‌شود و یا به علوم غریبه و سحر و جادو پناه می‌برد. در تفکر منفی،

بدبینی بر خوش بینی حاکم است و همه چیز را سیاه می بیند و همین تفکر سبب بدبینی و سوء ظن شده و فرد قادر به انجام درست امور زندگی اش نیست. و کسی که تفکر بسته دارد در واقع برای تصمیم گیری در رخدادهای زندگی، با گزینه های زیادی روبرو نیست، در نتیجه امکان انتخاب بهترین راه برای امور زندگی اش را ندارد. این تفکرات عموماً مشکل سازند و پیامدهای منفی در زندگی ایجاد می کنند.

- بالا بردن انرژی، کیفیت بهتر و امید به زندگی، نداشتن افسردگی، مدیریت استرس و حل مسئله، برخورداری از سلامت جسمی و روانی بیشتر، بهبودی سریع تر بیماری ها بخاطر افکار مثبت.

- محبوبیت دنیا در نظر انسان برای بدست آوردن دنیا، و دست به کارهای غیر اخلاقی و غیر شرعی زدن از دیگر ضایعات تفکر منفی است.

خدا به صراحت تغییرات مثبت و منفی و خیر و شر را به افکار و نیات و اعمال خود انسان نسبت می دهد. زیرا نوع تفکر و نیت انسان سرنوشت ساز است که برای او خیر و برکت در پی داشته باشد یا شر و نکبت بوجود آورد.

تغییراتی که در زندگی انسان رخ می دهد ارتباط مستقیم با نوع زندگی او دارد. خداوند جهان هستی را به وسیله سنت ها و قوانینی که وضع کرده، اداره می کند. بر اساس قانون الهی داشتن نیت خیر برای دیگران، برکت را به زندگی او بازمی گرداند و همچنین داشتن نیت شر برای دیگری، بازخورد منفی و بی برکتی برای انسان را در پی دارد و نعمت الهی به نعمت تبدیل می شود. مثلاً وقتی انسان نیت انفاق به دیگران را دارد حتی اگر هنوز به عمل نرسیده باشد تاثیراتش را دارد و اگر بخیل باشد و قصد کمک به کسی را نداشته باشد، برکت از زندگی اش رخت برمی بندد. خداوند را با بی برکت کرده و صدقه را پربرکت و پربازده قرار داده است.

فردی که نیت صحیح و اراده محکم داشته باشد، یاری خداوند برای او کامل می شود و کسی که نیتش ناقص باشد به همان مقدار یاری رسانی الهی در حق او کم خواهد شد. و این قانون نقش بسزایی در روند زندگی اش خواهد داشت. مثلاً خوش بینی رابطه ای مستقیم با موفقیت و کامیابی افراد دارد.

نیت، کانون مرکز و سرچشمه اعمال است و در مورد پاک نگه داشتن آن سفارش بسیار شده‌ایم چرا که تاثیر مستقیم بر نوع زندگی و سعادت و شقاوت انسان دارد. یکی از نکاتی که بسیار بر روی زندگی انسان تاثیر می‌گذارد، همنشین است. همنشین خوب، فکر و نیت و عمل مثبت و انرژی‌زا را به انسان تلقین می‌کند و همین یک مورد تاثیرات بسزایی در روند سعادت فرد در زندگی خواهد داشت. اما همنشین بد، انرژی بد، افکار و نیات منفی را سرلوحه زندگی رفیق خود قرار داده و او را به سمت شقاوت سوق می‌دهد. موفقیت و پیروزی در انتظار انسان‌های خوش‌بین و مثبت‌اندیش است. چون با نگاهی درست‌تر، قوی‌تر و الهی‌تر به مسائل می‌نگرند و به جای فرار از مشکلات و مصیبت‌ها، به دنبال حل کردن هستند. قرآن کریم آیات پیروزی بشریت را در ایمان به خدا، توکل به او و اندیشه مثبت اعلام می‌کند.

بررسی‌های صورت گرفته در خصوص تاثیر افکار بر رخدادهای زندگی نشان‌دهنده این مطلب بودند که از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه؛ افکار مثبت؛ عامل ایجاد شادی در حیات و افزایش آرامش روحی و جسمی، دور شدن از ترس و اضطراب، رسیدن به کمال و موفقیت، کاهش غم و اندوه ناشی از رویدادهای ناگوار، تحقق صبر و شکیبایی و آرامش مستمر در زندگی قلمداد شده‌اند. از سویی دیگر افکار منفی نیز موجب محرومیت از فرصت‌های حیات و افتادن آدمی در دام بخل، حرص و ترس و بلایا دانسته شده و امکان ابتلای انسان به فقر را نیز افزایش می‌دهد. در واقع نظام پاداش و جزا که در گفتار و حتی نیات ما قرار گرفته، بر این اساس است که اگر در دنیا فکر و یا نیت خیری، در مورد دیگری داشتیم؛ در زندگی رزومره تاثیرگذار است. در مقابل اگر در زندگی خود مرتکب گناهی شویم که آثار بزرگ و بدی در زندگی دنیا و آخرت ما داشته باشد، اما بعد از آن، عمل نیکی انجام دهیم و مثلاً توبه کنیم؛ آن گناه جبط شده و دیگر اثر بدی در زندگی ما نخواهد داشت.

این مسئله سنت الهی است که افکار و نیات و اعمال ما اثر مستقیم بر روی زندگی دنیایی دارد. آیه ۹۷ سوره نحل به این نکته اشاره می‌کند همانطور که داشتن ایمان به خداوند و انجام کارهای خیر، زندگی آخرت انسان مؤمن را پاک و مطهر می‌کند، در زندگی دنیایی او هم اثرگذار است و زندگی دنیایش را هم مطهر و پاکیزه می‌کند.

بررسی آیات قرآن کریم و مطالب نهج البلاغه نشان دادند که وجود نیت خیر باعث می‌شود تا انسان از الطاف الهی و امدادهای او در حیات دنیوی و اخروی خود سود ببرد و تمامی اعمال آدمی در اثر چنین نوعی از نیت، الهی خواهند شد؛ از سویی دیگر، وجود نیت شر نیز موجب می‌شود تا برکت از رزق و اموال آدمی رفته و در عین حال عاملی برای نزول بلا نیز ایجاد شود. اثر تربیتی این نگرش این است که انسان مراقب نوع افکار و نیت خود باشد تا از اثرات منفی افکار و نیت در دنیا در امان بماند و دچار ناملایمات زندگی نشود. پیشنهاد می‌شود که با قرآن کریم و متن نهج البلاغه بیشتر مانوس شویم تا راهکارهای زندگی موفق را آموخته و راه برون‌رفت از مشکلات و گرفتاری‌های زندگی را بیاموزیم.

فهرست منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- سبحانی نیا، محمد (۱۳۸۵)، راه و رسم مثبت‌نگری، معارف اسلامی، اردیبهشت و خرداد، شماره ۶۳.
جویری، م و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴)، چاپ اول، قم راه روشن .
نظامی همدانی، علی (۱۳۸۳)، شرح نوینی بر کلمات قصار امیرالمؤمنین؛ چاپ اول، فخر دین .
مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵)، بحارالانوار، تهران: چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه.
تمیمی آمدی (۱۴۱۰ ق)، غررالحکم و دررالکلم، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه.
ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱)، المحکم و المحيط الأعظم، جلد ۹، بیروت: دارالکتب العلمیه.
مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
شعرانی، میرزا ابوالحسن (۱۳۹۸)، نثر طوبی، جلد ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۸۸)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قم: نوید اسلام.
محجوب، فاطمه (۱۴۰۲)، الموسوعه الذهبیه، قاهره: دارالغد العربی.
ابوجیب، سعدی (۱۴۰۸)، القاموس الفقهی لغه و اصطلاحات، چاپ دوم. دمشق: دارالفکر.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ق)، تفسیر المیزان؛ چاپ بیروت، اعلمی .
مشکینی، میرزا علی (۱۳۹۲)، مصطلحات الفقه، قم: دارالحديث.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق) ترتیب کتاب العین، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، کلمه حول فلسفه الاخلاق، قم: انتشارات در راه حق .
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، به سوی او، قم: انتشارات در راه حق .
صدوق، امالی (۱۴۴۱ق)، چاپ اول، دارالثقافه .
صبحی صالح (۱۴۴۱ق)، نهج البلاغه، نشر هجرت قم .
طوسی، محمدبن محمد (۱۳۷۵)، شرح الاشارات و التنبیها، قم: نشرالبلاغه.
ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸)، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان.
بناهان، مریم و طراز منفرد، فاطمه (۱۴۰۰)، مرگ آگاهی و دلالت‌های تربیتی آن در افزایش آرامش با تکیه بر روایات معصومین علیهم‌السلام، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، شماره ۵۳، زمستان ۱۴۰۰: ۶۴-۳۱.
Dor: 20.1001.1.22516972.1400.29.53.2.8
جعفریان، حسین و میرزا محمدی، محمدحسن (۱۳۹۴)، تبیین نقش و جایگاه اصل تربیتی "گذر از ظاهر به باطن" در سبک زندگی اسلامی و تاثیر آن بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۴: ۲۸-۷.

- زاهد غیاثی، محمد (۱۳۸۰)، تفکر از منظر قرآن، بشارت، شماره ۲۵.
- رشیدی، شیرین (۱۳۹۷)، بنیان‌ها و روش‌های تربیت انسان مودب از منظر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۷: ۱۱۳-۸۹.
- Dor: 20.1001.1.22516972.1397.26.41.4.5
- صادقی نیری، رقیه، الهیاری نژاد، مریم (۱۳۹۲)، مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نهج‌البلاغه، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۹۲: ۷۳-۶۳.
- عبداللهی، عابد، صمد رزمی، ام‌کلثوم (۱۳۹۳)، نقش مثبت‌اندیشی در حل مسائل زندگی با تأکید بر آیات قرآن کریم و روایات، فصلنامه تفسیر پژوهی، دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۹۳: ۱۸۸-۱۵۹.

